

چشم انداز سیاست انرژی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام در عرصه نفت و گاز

با سخنرانی مهندس اصغر ابراهیمی اصل*

اشاره:

نشست ماه این شماره از ماهنگار دیده بان امنیت ملی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی صنعت نفت و گاز کشور اختصاص دارد. با توجه به نقش محوری نفت و فراورده‌های نفتی در اقتصاد کشور، چشم‌انداز آینده این بخش از اقتصاد از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. نظر به این اهمیت، در نشستی که با حضور آقای مهندس ابراهیمی اصل، که از مدیران با سابقه نفتی کشور می‌باشند، در پژوهشکده مطالعات راهبردی برگزار شد، وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده صنعت نفت کشور مورد بررسی قرار گرفت. متن حاضر نسخه تدوین شده این نشست می‌باشد.

ثروت و ارزش افزوده یکسری کارهای دیگری می‌کردیم. در دوره آقای احمدی نژاد ۷۵۰ میلیارد دلار در آمد نفت و محصولات پتروشیمی فروختیم. جمعاً از زمان ویلیام ناکس دارسی تا پایان دوره آقای احمدی نژاد ۱۱۰۰ میلیارد دلار در آمد صادرات نفت کشور بود که ۷۵۰ میلیارد دلار مربوط به ۸ سال این دوره است، آیا این ۷۵۰ میلیارد دلار از نظر اقتصادی و از نظر GDP و در آمد سرانه و وضعیت تورم، توانست وضعیت بهتری را ایجاد کند؟ در اقتصاد، صرف پول در آوردن کافی نیست بلکه چگونه هزینه کردن و کجا و به چه شکل هزینه کردن مهم است.

آیا ما نفت و گازمان را گران تولید نمی‌کنیم؟ بعضی از قطعات یدکی، توربین‌ها، کاتالیزورها و بسیاری دیگر از وسایلی که در صنعت نفت کاربرد دارد و خارجی‌ها به ما می‌فروشند، بین ۱۰۰ درصد تا ۳۰۰ درصد گران‌تر از نفت ما است، یعنی نفت ما را ارزان می‌خرند و موادی که پایه

● **مهندس ابراهیمی اصل:** در دوره پساتحریم که یک دوره ده ساله از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶ را در برمی‌گیرد ما باید این دوره را مدیریت بکنیم یعنی ما در یک بستر جنگ نرم و هوشمند حقوقی می‌خواهیم کار بکنیم و خیلی هم نباید خوشبین باشیم و بگوییم حال که قطعنامه ۲۰۳۱ و قطعنامه شورای حکام تصویب شده و همه برجام را پذیرفته‌اند پس همه مشکلات حل می‌شود نه، این طور نیست. در خصوص وضعیت صنعت نفت و گاز در این دوره می‌بایست به یک سری سوال‌های راهبردی پاسخ دهیم:

آیا نخریدن نفت خام از ایران یک فرصت است یا یک تهدید؟ ما ۱۰۵ سال است نفت خام فروخته‌ایم و به این خام‌فروشی عادت کرده‌ایم، مگر کشورهایی چون ژاپن، آفریقای جنوبی، ترکیه یا کره نفت دارند؟ پس چطور است توانسته‌اند اقتصادشان را درست کنند؟ ما با استفاده از این ثروت ملی می‌بایست برای ایجاد زیرساخت‌ها و تولید

* مشاور عالی قرارگاه خاتم‌الانبیا

تکنولوژی دارد را گران تر به ما می فروشند.

آیا ما از میدان مشترک به اندازه سهم خودمان تولید می کنیم؟ ۲۶ سال پیش وزیر نفت تمام شرکت های صاحب نام و صاحب تکنولوژی و سرمایه گذاران بزرگ و بانک ها را به هتلی در لندن دعوت کرد و به زبانی ساده اعلام کرد: «ما یک میدان مشترک با ایران داریم (میدان پارس جنوبی)، که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن سمت ایران است و ۶ هزار کیلومتر مربع آن طرف ماست، می خواهم شما اینجا را به گونه ای برنامه ریزی توسعه ای و تولیدی بکنید که وقتی ایرانی ها از جنگ خلاص شدند و پس از بازسازی خواستند بیایند شروع به تولید بکنند، به آب شور و لجن برسند». انگلیسی ها اعلام آمادگی کردند. میدان پارس جنوبی ادامه دامنه های زاگرس است که تا کف دریا امتداد داشته و به طرف قطر می رود. طرف ما که ۳۷۰۰ کیلومتر است، پهنا و عمق زیادی دارد، چهار لایه دارد شامل لایه های k_1 ، k_2 ، k_3 ، k_4 که لایه های k_3 و k_4 به سمت قطر ادامه پیدا می کند که ۶ هزار کیلومتر است. حجم گازی که در آنجا هست، ۸ درصد گاز دنیا است. ۸ درصد هم در سمت ایران است که ۴ لایه است و جمعاً ۱۶ درصد گاز شناخته شده جهان را در برمی گیرد. آنها ۱۱ سال زودتر از ما بهره برداری را شروع کردند و درست در لبه مرزی شروع کردند و تعداد زیادی سکو زدند و در هر سکو ۱۰ تا ۱۲ چاه انحرافی به طرف ایران و چاه افقی زدند که از هر چاه روزی ۱۶۵ میلیون فوت مکعب گاز تولید می کنند. پس از ۱۱ سال که ما خواستیم شروع بکنیم شرکت توتال و شرکت انی که در سمت قطر، سرمایه گذار اصلی بودند، برای همکاری با ایران اعلام همکاری کردند. منتها شرطی که گذاشتند این بود که ما وسط میدان تأسیسات را ایجاد می کنیم توتال وسط میدان، فاز ۲ و ۳ را زد و انی هم فاز ۴ و ۵ را ایجاد کرد فاز ۶ و ۷ و ۸ هم کنار آن به طرف خشکی ایران ایجاد شد. ترفند دیگری که این شرکت ها بکار بردند این بود که در مقابل اینکه گاز را از لایه های k_3 و k_4 استخراج کنند، از لایه های k_1 و k_2 گازی را که متعلق به ایران بود، برداشت کردند. ماحصل قضیه این شده که ۲۵ سال است روزی یک میلیارد فوت مکعب گاز، ۴۰ هزار بشکه در روز کاندنسیت و ۳۷۰ هزار

بشکه در روز نفت از طرف ایران به سمت قطر مهاجرت می کند. لذا در پساتحریم که خارجی ها آمده اند و می گویند می خواهیم سرمایه گذاری کنیم، نفت بخریم، گاز بخریم، اگر ما بازنگری نکنیم در جایگاهی که باید داشته باشیم نه در جایگاهی که آنها می خواهند تعریف بکنند ممکن است دوباره به سرمایه گذاری هایی تن دهیم که در راستای منافع ملی ما نباشد.

آیا ما برای آینده نفت و گاز خودمان برنامه ریزی

دقیقی کرده ایم؟ امروز ۸ ماهواره در دنیا هست که اینها با تکنولوژی Termal Eskaning تا عمق ۹ کیلومتری زیر زمین را با دقت ۹۲ درصد، میداین نفت و گاز را شناسایی می کنند و اصلاً احتیاجی نیست بیایند روی زمین کاری بکنند. کل این قضیه الان شده اکتشاف فضایی. آمریکایی ها، اروپایی ها، چینی ها، اوکراینی ها و روس ها این تکنولوژی را دارند. ما هم در سپاه این تکنولوژی ها را داریم که از اوکراینی ها گرفته ایم که با هواپیمای بدون سرنشین که تا ۵ هزار متر از سطح زمین می تواند بالا برود تا عمق ۹ کیلومتری را به دقت سانتی متر می توانیم، تشخیص بدهیم. اینکه زیر زمین کجاها گاز هست، کجاها نفت است و Control Map آن را می کشیم حجم آن را در می آوریم و محاسبات آن را انجام می دهیم.

در خصوص فرمت قراردادهای جدیدی که توسط وزارت نفت آماده شده باید گفت این قراردادها همان قراردادهای product sharing است که از سال ۵۱ تا ۵۵ وجود داشته و تنها ظاهر این قراردادها قدری تغییر یافته تاجاهایی که تضادی با قانون اساسی دارد، یک مقدار متعادل شود، ضمن اینکه بین متن فارسی و انگلیسی آن تفاوت هایی به چشم می خورد. بر اساس این قراردادها شرکت های خارجی می آیند اکتشاف می کنند اگر به نفت نرسیدند که هیچ، اما با این تکنولوژی که هست آنها دقیقاً میدان هایی را از طریق این هشت ماهواره کاملاً شناسایی می کنند که این اطلاعات خیلی هم هزینه بالایی ندارد و چند میلیون دلار می دهند و کل این اطلاعات را با تفسیر هایش می گیرند. بعد در آنجا چاه می زنند و از اولین بشکه ای که تولید می کنند در این تولید شریک هستند. البته عربستان،



است. ما اگر بتوانیم در کامیوننت‌ها که خوراک اولیه صنایع دستی و اس.امی‌ها متمرکز شویم، در آمد کشور می‌تواند بین ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار باشد. لذا در این دوره پساتحریم دیگر خام‌فروشی نکنیم و نفت را حداقل به فرآورده‌های پتروپالایشگاهی تبدیل نکنیم و تعدادی پالایشگاه کوچک و متوسط احداث کنیم و بنزین سوپر و بنزین با کیفیت بالا و اکتان بالا تولید کنیم که می‌توانیم هم برای خودمان و هم بازار همسایگان مهم باشد و به آنها صادر بکنیم.

در خصوص نقش سازمان اوپک در بازار نفت، باید گفت اوپک سازوکاری نیست که بتواند بر جهت شفاف‌سازی قیمت‌ها و رساندن قیمت‌ها به سمت قیمت واقعی تلاش بکند. تجربه نشان داده که کشورهای قدرتمند نظیر آمریکا تا حد زیادی بر تصمیم‌گیری‌های این سازمان از طریق کشورهای چینی، عربستان، بحرین، امارات، قطر و کویت تأثیر می‌گذارند. خط قرمز آمریکا نفت بشکه‌ای ۱۲۵ دلار است اگر نفت ۱۲۵ دلار بشود اقتصاد این کشور و ۶ کشور اروپایی دچار مشکل می‌شود. نفت زیر قیمت صد دلار به نفع اقتصاد چین است و اقتصاد و تجارت چین را رونق می‌بخشد لذا کاهش کنونی قیمت نفت تنها برای نابودی اقتصاد ایران و روسیه است. گفته می‌شود، عربستان سعودی ۴۰۰ میلیارد دلار برای این کار اختصاص داده، آمریکا هم ۶۰ درصد ذخایر استراتژیک خود را وارد بازار کرده، هم اکنون عربستان ۱۲ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند ضمن اینکه به علت رکودی که وجود دارد تقاضا برای نفت کمتر شده است، البته آنها نمی‌توانند در درازمدت این وضعیت را ادامه دهند و اگر تا یک سال این روند را ادامه دهند، ممکن است برای کشور ما مشکلاتی ایجاد شود، حتی در روسیه بحران ایجاد خواهد شد چرا که آنها هم با نفت ۹۰ دلاری بودجه‌شان را بسته بودند. وقتی نفت ۳۰ یا ۳۵ دلار می‌شود، مشکلات زیادی ایجاد می‌شود. وقتی ما یک میلیون بشکه نفت با قیمت ۳۵ دلار بفروشیم مثل اینست که ۳۰۰ هزار بشکه با قیمت ۱۰۰ دلار می‌فروشیم. بنابراین وابسته کردن اقتصاد کشور و آینده نظام به نفت و به تصمیمات اوپک یک خطای استراتژیک است لذا درباره اینکه ما در اوپک بمانیم یا نمانیم باید در اتاق‌های

کویت و یک‌سری از کشورها این کار را می‌کنند اما ما بعد از انقلاب قرار بود این کار را نکنیم و مالکیت مخزن و مشارکت در بهره‌برداری را به خارجی‌ها ندهیم. شرکت نفت دنبال این است که این کار را انجام دهد، به این امید که خارجی‌ها بیایند سرمایه‌گذاری بکنند. اگر ما بتوانیم بعد از رفع تحریم‌ها ۴/۱ میلیون بشکه یعنی به اندازه شرکت بریتیش پترولیوم نفت تولید کنیم با توجه به قیمت کنونی نفت می‌توانیم در حدود ۲۳ میلیارد دلار درآمد کسب کنیم در حالی که اگر ما در صنایع پایین دستی پتروشیمی، یک مقدار کار بکنیم و ۴ و نیم میلیون تن پلی اتیلن تولید کنیم در حدود ۱۴۰ میلیارد یورو در سال می‌توانیم درآمد داشته باشیم که فقط تکنولوژی و شریک تکنولوژیک می‌خواهد. لذا اینکه بخواهیم به آن جایگاهی که قبلاً داشتیم، برسیم باید یک مقدار روی آن فکر بکنیم. در جریان کنفرانس امنیت انرژی مونیخ که حدود ۱۲۰ وزیر و حدود ۱۰۰ نفر از صاحبان شرکت‌های بزرگ و بانک‌های بزرگ شرکت کرده بودند، این بحث مطرح بود که آلمان تا ۲۰۲۰ نیروگاه‌های اتمی خود را جمع می‌کند و دیگر نیروگاه اتمی نخواهد داشت. آلمان نمی‌خواهد به لحاظ استراتژیک به گاز روسیه وابسته باشد و دنبال این است که از یک منبع دیگری مثل ایران یا ترکمنستان یا عراق بتواند بخشی از گازش را تأمین کند. آلمان صاحب تکنولوژی است و شرکت‌های بزرگ آلمانی نظیر لینده، اوده و ... از گاز دارو و مواد شیمیایی می‌سازند و ارزش افزوده خلق می‌کنند، اشتغال ایجاد می‌کنند، لذا به خاطر امنیت استراتژیک‌شان می‌خواهند گاز را وارد کنند، فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها نیز چنین سیاستی را دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند وابستگی خود را به گاز روسیه کاهش دهند. با توجه به قیمت ۳۵ دلاری نفت برای هر بشکه و در شرایطی که مصرف داخلی ۲ میلیون بشکه نفت در روز است، چنانچه ما ۴ میلیون بشکه روزانه نفت تولید کنیم، عملاً نمی‌توانیم بیش از ۲ میلیون بشکه نفت بفروشیم که کل مبلغ آن ۲۳ میلیارد دلار می‌شود. در صورتی که اگر این دو میلیون بشکه را در پتروشیمی استفاده کنیم و یک مقدار دانش‌مان را با توجه به پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌هایمان ارتقا بدهیم صنعت پتروشیمی ۴ لایه است. لایه اول بسته‌بندی گاز

فکر بحث کنیم که بودن یا نبودن ایران در این سازمان تا چه حد برای ما تأثیر گذار است.

درست است که ما توافق هسته‌ای را امضا کرده‌ایم اما این تازه آغاز قصه است و این قصه آغاز شده را باید مدیریت بکنیم و مدیریت آن اتاق فکر می‌خواهد، چون جنگ هوشمند و نرم‌افزاری است. برای اینکه بتوانیم این کار را انجام بدهیم لازم است جایگاه خودمان را تعریف بکنیم آیا جایگاه ما تولید اضافه و صادرات ۴ میلیون بشکه در روز است یا خلق ثروت بیشتر و سودآوری بیشتر است، اگر سودآوری بیشتر مدنظر است، باید خام‌فروشی را فراموش بکنیم. تولید از میدان‌های مشترک را باید با اولویت و جدیت انجام بدهیم، گاز را تولید بکنیم بیاوریم در کشور استفاده بکنیم. به عنوان مثال از گاز برای تولید برق استفاده کنیم ۱۰ تا نیروگاه هزار مگاواتی در کنار دریای عمان درست کنیم. ۱۰ تأسیسات آب شیرین کن درست کنیم که هر کدام ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب شیرین درست بکند و دو میلیارد متر مکعب آب شیرین برای کشت گلخانه‌ای معادل ۷ و نیم میلیارد متر مکعب آب، محصول تولید بکنیم که ضمن تأمین امنیت غذایی خودمان، برای چند میلیون نفر اشتغال درست بکنیم، صادرات هم انجام بدهیم. آب اقیانوس را شیرین بکنیم برق آن را هم بگیریم استفاده بکنیم، به عراق یا به پاکستان صادر بکنیم یا از طریق کابل زیرزمینی به کشورهای عربی بفروشیم. ما گاز را می‌توانیم به آلومینیوم، فولاد، سیمان محصولات پتروشیمی تبدیل بکنیم. اینکه گاز را خام بفروشیم، درست نیست. گاز را می‌توانیم به محصول و ارزش افزوده تبدیل بکنیم. به ازای هر میلیارد دلار وارداتی که ما انجام می‌دهیم ۵۰ هزار فرصت شغلی در کشورهای صادر کننده تثبیت می‌شود یا تعریف می‌شود. یعنی چهل میلیارد دلار وقتی ما واردات داریم، برای ۲ میلیون نفر در کشورهای دیگر شغل دائم ایجاد می‌شود. حال که ما ۷ میلیون تحصیل کرده بیکار داریم که ۳ و نیم میلیون نفر آن لیسانس و فوق لیسانس دارند و بیکار هستند باید مرزهای کشورمان را کنترل بکنیم، تعرفه بگذاریم و نظارت بکنیم.

با محوریت اقتصاد مقاومتی، از جمله تهدیداتی که ما در حال حاضر در صنعت نفت و گاز با آن مواجهیم عبارتند از:

- محدود کردن فروش نفت و گاز و کاهش دادن سهم ایران از بازار جهانی انرژی با استفاده از تحریم مستقیم و غیرمستقیم بخش نفت کشور
- تطمیع و یا اعمال فشار بر مشتریان راهبردی نفت کشور
- تلاش برای جبران اثر حذف ایران از بازار جهانی نفت
- جلوگیری از حفظ تولید نفت و گاز و توسعه صنایع مرتبط در کشور از طریق:

 ۱. ممانعت از تأمین قطعات و تجهیزات لازم در صنعت نفت
 ۲. جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی کشور
 ۳. اعمال محدودیت بر ورود شرکت‌های خارجی در حوزه مدیریت پروژه‌های صنعت نفت
 ۴. کاهش درآمدی نفتی کشور از طریق اعمال نفوذ در بازار جهانی نفت و کاهش دادن قیمت نفت

فرصت‌هایی که در حال حاضر برای تقویت نقش آفرینی اقتصادی ایران وجود دارد، می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- نیاز کشورهای همسایه و همسو به انرژی (نفت، گاز و برق)
- موقعیت ژئوپولیتیکی ممتاز کشور برای تبدیل شدن به هاب نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی منطقه
- موقعیت ویژه جغرافیایی کشور برای صادرات برق
- ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه بریکس (برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی)

مشکلات و ضعف‌های موجود در عرصه صنعت نفت و گاز کشور را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

- فروش سنتی نفت و عدم متنوع‌سازی روش‌های فروش نفت
- ضعف شرکت‌های داخلی توسعه‌دهنده (پیمانکاران عمومی) میادین نفت و گاز در حوزه‌های:



راهبردهایی که می‌توان برای آینده صنعت نفت و گاز کشور پیشنهاد کرد، به شرح ذیل است:

۱. روزآمد (مدرنیزه) کردن و متنوع‌سازی روش‌های فروش نفت از طریق:

- متنوع‌سازی روش‌های فروش نفت نظیر فروش ریالی نفت

- انتخاب مشتریان راهبردی

- بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی

- استفاده از ظرفیت تهاتر کالا و نفت

۲. ایجاد توانایی اثرگذاری بر بازار جهانی انرژی از طریق:

- تسلط بر ابزارهای نقش‌آفرینی موثر نظیر ایجاد بورس نفت و اثرگذاری رسانه‌ای

- فعال‌سازی ظرفیت ترانزیت (سوآپ) گازی کشور

- افزایش صادرات برق کشور

- تقویت همکاری با کشورهای تولیدکننده انرژی و

ایجاد هم‌پیمانی با کشورهای همسور در زمینه انرژی

- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز

۳. حفظ و توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز کشور به صورت صیانتی با محوریت میادین مشترک از طریق:

- تقویت نظام حکمرانی وزارت نفت

- اصلاح نظام کارفرمایی-پیمانکاری شرکت ملی نفت

- حمایت هوش‌مندانه و توانمندسازی شرکت‌های داخلی

توسعه‌دهنده میادین نفت و گاز در حوزه‌های تأمین

سرمایه حجم بالا با تأکید بر بهره‌گیری از سرمایه‌های

مردمی و تأمین زنجیره تجهیزات و کالاهای راهبردی

و توسعه فناوری در کشور

۴. تأمین بلندمدت، پایدار، بهینه و با کیفیت انرژی کشور از طریق:

- اصلاح الگوی مصرف انرژی

- ایجاد ذخایر راهبردی انرژی

- توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

- اصلاح نظام اقتصادی صنعت برق با هدف عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها

- افزایش بهره‌وری و کاهش تلفات تولید، انتقال و

۱. تأمین سرمایه‌های حجم بالا

۲. طراحی‌های فنی و مهندسی

۳. مدیریت پروژه‌های کلان نفتی از قبیل ضعف در زنجیره تأمین تجهیزات و کالاهای راهبردی صنعت

نفت و گاز

- نبود نظام حکمرانی (سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت) متناسب با وضعیت صنعت نفت در وزارت

نفت

- وجود نظام کارفرمایی-پیمانکاری ناکارآمد در سطح صنعت نفت

- عدم تکمیل شبکه ارزش نفت و گاز از جمله:

۱. توسعه نامتوازن صنایع پتروشیمی (عدم توسعه مطلوب صنایع پایین دستی)

۲. عدم توسعه ظرفیت پالایشگاهی در کشور

- ضعف در تأمین بهینه، پایدار و بلندمدت انرژی کشور به دلیل:

۱. نبود ذخایر اطمینان بخش استراتژیک انرژی در کشور

۲. نبود سبد انرژی مناسب و بهینه

۳. هدررفت انرژی در شبکه‌های انتقال و توزیع

۴. بهره‌وری پایین تولید انرژی در کشور

- بالا بودن شدت مصرف انرژی کشور در بخش‌های مختلف

در مقابل نقاط ضعف فوق، نقاط قوت ما برای بهبود

وضعیت نفت و گاز کشور به شرح ذیل است:

- برخورداری از منابع عظیم از منابع طبیعی نفتی و گازی و تجدیدپذیر

- وجود منابع انسانی مستعد در حوزه نفت و انرژی

- وجود شرکت‌های توانمند در حوزه طراحی فنی و مهندسی داخلی در عرصه انرژی کشور

- هزینه‌دار بودن تحریم پتروشیمی‌ها به دلیل تعدد و فروش خرد و متنوع محصولات پتروشیمی

- وجود شبکه به هم پیوسته و سراسری انتقال نیروی برق

- وجود سازندگان توانمند در زمینه ساخت تجهیزات صنعت برق

توزیع انرژی

۵. تکمیل و اصلاح شبکه ارزش افزوده نفت و گاز از طرق:

- افزایش ظرفیت پالایشی و پتروپالایشی کشور
- اصلاح توسعه نامتوازن صنعت پتروشیمی
- تقویت نظام تنظیم‌گری یک پارچه زنجیره ارزش با تأکید بر اصلاح رابطه مالی شرکت ملی نفت و شرکت‌های مرتبط با تکمیل زنجیره ارزش

سیاست‌هایی که می‌بایست در صنعت نفت و گاز کشور در اولویت قرار گیرند:

- _ اولویت‌دهی به کاهش شدت مصرف انرژی در کشور
- _ اولویت‌دهی به تکمیل شبکه ارزش افزوده نفت و گاز به جای خام‌فروشی
- _ اولویت‌دهی به بهینه‌سازی مصرف در مقابل تولید آن
- _ اولویت‌دهی به ایجاد اثرگذاری بر قیمت و بازار انرژی در مقابل توسعه سهم ایران در بازارهای نفت و گاز
- _ اولویت‌دهی به سرمایه‌گذاری داخلی و مردمی در مقابل تأمین مالی خارجی
- _ اولویت‌دهی به تأمین کالا از صنایع تولیدی داخلی کشور
- _ اولویت‌دهی به حفظ و توسعه میادین مشترک
- _ افزایش سهم انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور

نقد و نظر

○ در مباحثی که ارائه کردید سه موضوع بهره‌برداری از میدان‌های مشترک، کنار گذاشتن خام‌فروشی نفت و سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی پتروپالایش و پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی، سه نقطه محوری در بود. هر سه این موضوعات نکات محوری هستند. بلافاصله بعد از پایان جنگ ایران و عراق این سه موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مطرح می‌شد. همه وزرای نفت هم بر

این موضوعات تأکید و اصرار می‌کردند. چرا تا حالا این اتفاق نیفتاده؟ الان عراق مسائلیش تمام شده آمده در میدان‌های مختلف نفتی سرمایه‌گذاری کرده است. عراق بعد از سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در همین میدان‌های مشترک نفتی شروع به سرمایه‌گذاری کرد و ما که از قبل از عراق یک ثبات نسبی سیاسی پیدا کردیم، هنوز به این فکر نیفتاده‌ایم؟ ما در دوره پسابرجام حداقل می‌توانیم یک مقدار امیدوار باشیم که می‌توانیم در بازارهای جهانی حضور داشته باشیم. در مورد قراردادهای نفتی، این قراردادها عملاً چیزی است که ما سعی کردیم در یک بازار این را عرضه بکنیم. بازاری که قطر، عربستان و کویت هم در آن حضور دارند و مشکلی هم با شرکت‌های چند ملیتی ندارند. سیاست آنها هم باهم در تعارض نیست، ما الان در این بازار آیا فرصت این را داریم که به تنهایی تولید بکنیم و به این سه هدف برسیم یا نیازمند مشارکت شرکت‌های چند ملیتی هستیم؟ اگر نیازمند آنها هستیم آیا می‌توان قراردادهای بهتری عرضه کرد که کویت و عربستان و یمن و قطر پیشنهاد نداده باشند؟ ما چه مزیتی داریم که شرکت BP آنها را کنار بگذارد و در ایران سرمایه‌گذاری بکند؟ یا در مورد همان میدان مشترک گازی با قطر، موقعی که قطر با همین شرایط آسان و ساده حاضر است سرمایه این شرکت‌ها را جذب بکند چرا آنها باید بیایند و با ایران همکاری کنند؟

● **مهندس ابراهیمی اصل:** یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی که ما از قبل از انقلاب داشتیم و پس از انقلاب هم تداوم پیدا کرد، این است که اصولاً در برنامه‌های پنج‌ساله‌ای که نوشتیم بودجه و برنامه ما مبتنی بر نفت بود. نکته دومی که وجود دارد، در خرید و فروش نفت و محصولات نفتی عده‌ای پول‌های سرسام‌آوری در این بازار به دست آوردند. یعنی خام‌فروشی و واردات، یک کسب و کار پردرآمدی در یک طیف افراد صاحب نفوذ در کشور را باعث شد.

در آلمان هزار صفحه قانون راجع به کنسرسیوم وجود دارد. کشورها و شرکت‌ها با حفظ هویت حقوقی خودشان کنسرسیوم درست می‌کنند. در مشاوره، در



تأمین، در ساخت و راه‌اندازی در سود و زیان هم شریک هستند. در قانون تجارت ما یک صفحه یا یک سطر راجع به کنسرسيوم وجود ندارد. وقتی قانون تجارت انگلیس را نگاه می‌کنیم که ۲۸۰ سال پیش نوشته شده و تا حالا سه چهار بار اصلاح شده و قانون خودمان که ۵۵ یا ۵۶ سال از تصویب آن می‌گذرد، کاملاً مشخص است که قانون ما برای واردات و صادرات است و برای تولید نیست یا قانون کار ما برای تولید نیست. اراده لازم در کشور وجود ندارد که از این نعمت اداری برای تولید دانش پایه با اشتغال پایدار فکر کند و کار کند. الان فرمایشات حضرت آقا راجع به اقتصاد مقاومتی، همه آن را تأیید می‌کنند، اما کسی نمی‌گوید این قانون اساسی را چگونه اجرا بکنیم. سکان نفت همیشه به دست جریانات سیاسی بوده و این جریانات همیشه نفت را اداره کرده‌اند، نه جریانات حرفه‌ای، ما باید سیاست‌گذاری را از نفت بگیریم. نفت نباید لکوموتیو باشد که نظام را به هر جهتی که خواست ببرد نفت باید یک کار حرفه‌ای پروفشنال در زمینه اکتشاف، تولید، پالایش، پتروشیمی، توزیع و انتقال را با هزینه رقابتی انجام بدهد با حداقل اتلاف منابع اما سیاست‌گذاری یک جای دیگر باید انجام بشود.

در خصوص قراردادهای نفتی کنونی، الگوی این قراردادها، قراردادهای نفتی عراق است عراقی که با خطر داعش و گروه‌های سلفی وابسته به القاعده روبه‌روست و در چنین شرایط اضطراری این قراردادها را امضا کرده است یا قطر و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس که این قراردادها را امضا کرده‌اند حکومت‌های آنها تا حد زیادی وابسته به آمریکا و غرب است و عملاً اختیار چندانی در برابر غول‌های نفتی ندارند، لذا نمی‌توانند الگوی مناسبی برای ما باشند.

○ بحث من این نیست که ما از آنها تقلید بکنیم یا تقلید کرده‌ایم بحث من این است که آیا ما شرایط بهتری می‌توانیم پیشنهاد بدهیم که برای شرکت‌های نفتی جذابیت بیشتری داشته باشد؟ یا اینکه می‌گویید بهتر است از روسیه و چین در پروژه‌های نفتی استفاده کنیم

اتفاقاً آنها از جمله اولین کشورهای بودند که علیرغم اینکه تعهد داشتند، پروژه‌هایی را که در بخش‌های نفتی ایران در دست داشتند را رها کردند و اعلام کردند ما نمی‌توانیم منافع کلانی را که با آمریکا و غرب داریم فدای سود محدود همکاری با ایران کنیم. به لحاظ سیاسی من هم قبول دارم که روابط با بریکس باید اینگونه باشد اما اینها در عمل نشان دادند که زودتر و جلوتر از غربی‌ها ما را تحریم کرده‌اند.

● **مهندس ابراهیمی اصل:** روس‌ها در بخش نفت ایران حضور نداشتند و آنها در زمینه‌های دیگر با ایران همکاری داشتند اما چینی‌ها در میدان نفتی آزادگان علیرغم تعهدی که داشتند آن را رها کردند و این هم به خاطر این بود که آمریکا به آنها فشار سنگینی آورد و تهدید کرد که اگر به همکاری با ایران ادامه بدهید ۱۹۲ میلیارد دلار اوراق مشارکتی که گرفته بودند را بلوکه می‌کنند. در خصوص روس‌ها بحث من این است که باید فاصله خودمان را با آنها حفظ بکنیم ولی به خاطر هدف مشترک و دشمن مشترک می‌توانیم با هم همکاری کنیم. در خصوص چشم‌انداز آینده بازار نفت باید توجه داشته باشیم که دنیا به انرژی ما نیاز دارد اگر یک مقدار حوصله کنیم بسیاری از کشورهایی که امروز صادر کننده نفت هستند در سال ۲۰۳۰ وارد کننده نفت و گاز خواهند شد. بین ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ ذخایرشان تمام می‌شود و دنیا به نفت و گاز ما نیازمند خواهد بود.

قدرت‌های خارجی در خصوص ایران سه استراتژی را دنبال می‌کنند. یکی اینکه Production sharing کنند که این خیلی کار خطرناکی است و باید آن را مدیریت کنیم. دوم، دنبال تجزیه ایران و جدا کردن کردستان، خوزستان و دیگر مناطق و تبدیل نیروهای اجتماعی به نیروهای سیاسی برای تجزیه کشور هستند. ۱۳۰ اتاق فکر راجع به ایران کار می‌کند که بیش از ۶۰ تا از آنها روی انرژی ما کار می‌کنند. بنابراین در کشور ما برای نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاه یک قوه عاقله حاکمیتی باید تدبیر بکنند نه یک وزارتخانه.

در سمیناری که مدیران شرکت لینده هم حضور داشتند،



نگه دارند و در بعضی کشورها مانند ژاپن نرخ بهره را صفر درصد گذاشته‌اند برای اینکه بتواند از رکود بیرون بیاید و رونق اقتصادی ایجاد بکند و می‌توان این منابع را به راحتی جذب کرد.

○ در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی، هرچه جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر باشد به نوعی ایمن‌سازی هم پشت سر آن وجود خواهد داشت به این معنی که فرض بفرمایید الان چین در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و اگر مشکلی برای آمریکا پیش بیاید، به چین هم منتقل خواهد شد و در نتیجه هیچ‌وقت چین آمریکا را نمی‌تواند تحت فشار قرار دهد. حالا اگر همین وضعیت در کشور ما اتفاق می‌افتاد ممکن بود کشورها نتوانند به این راحتی ایران را تحت فشار بگذارند. سوال من این بود که در این زمینه وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در فرآورده‌های نفتی در کشور ما به چه صورت است؟ کم و بیش من در بازرسی و بازدیدهای که از صنایع پتروشیمی داشتیم دیدم که صنایع مشترک بوده اما به آن حد نیست که بتواند تضمین ایجاد کند.

● **مهندس ابراهیمی اصل:** در رابطه با سرمایه‌گذاری، ما تا جایی که می‌توانیم باید هم از ظرفیت‌های داخلی و از این ۸۵۰ هزار میلیارد تومانی که دست مردم هست و هم از پول ایرانیان مقیم خارج که ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارند در خارج از کشور در آمریکا و هم از خارجی‌هایی که علاقمند هستند که سرمایه‌گذاری بکنند و سودی بیشتر از سه یا چهار درصد سودی که از بانک‌ها می‌گیرند، استفاده کنیم. متأسفانه یکی از مشکلاتی که در عرصه جذب سرمایه‌های خارجی وجود دارد، ضعف افرادی است که مسئولیت جذب سرمایه خارجی را داشته‌اند و نتوانسته‌اند عملکرد مناسبی داشته باشند.

○ ما قبل از انقلاب چندین قانون راجع به نفت داشتیم، از جمله قانون ملی شدن صنعت نفت که من از لحاظ منفی و مثبت بودن ارزیابی نمی‌کنم ولی بعد از آن در سال ۱۳۴۷ و بعد در سال ۱۳۵۳ قانون داریم. این دو قانون دو تا مشخصه اساسی دارند اول اینکه به طور شفاف مقرر می‌کنند که تمام قراردادهای نفتی باید به تصویب برسد

اعلام کردند ما ۸ میلیارد دلار حاضر هستیم در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری بکنیم. البته فقط در upstream، و حاضر نیستیم در mid stream و down stream سرمایه‌گذاری کنیم، یعنی الان هم با برنامه و سناریویی آمده‌اند که کار بکنند مواد اولیه را مفت ببرند، لذا ما باید مدیریت بکنیم و ذوق زده نشویم. اینکه خارجی‌ها بعد از برجام می‌آیند، پول و تکنولوژی دارند، ما باید به دنبال تکنولوژی برویم و دنبال قراردادهای کپی شده از کشورهایی چون عراق، قطر و بحرین و امثال اینها برویم. متأسفانه ما در خصوص تربیت متخصصین لازم در زمینه حقوق بین‌الملل خوب عمل نکرده‌ایم و شناخت کاملی از قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در کشور ما وجود ندارد که بتوانیم قراردادهایمان را بر پایه استدلال‌های حقوقی مطمئن قرار دهیم.

ما همیشه رضایت کوتاه‌مدت مردم را به منافع استراتژیک نظام ترجیح می‌دهیم. در حالی که ترکیه یارانه‌ای که می‌خواست برای سوخت بدهد را نداد یک عده هم ناراضی شدند، درگیری هم شد، گرفتاری هم درست شد، اما آنها آن یارانه را دو جا خرج کردند. یک اینکه ۷۲ تا سد درست کردند و ۷ و نیم میلیارد متر مکعب آب شیرین پشت سدها و شبکه‌های آن را کامل کردند، به طوری که الان محصولات کشاورزی را به اروپا و به کشورهای مختلف صادر می‌کنند. به خود روسیه ۶ میلیارد دلار صادرات دارد، دوم ۳۶ میلیارد دلار در صنعت پوشاک سرمایه‌گذاری کردند و به طور ریشه‌ای و بنیادی تکنولوژی آن را ارتقا دادند. الان هر کت و شلوار و هر پرده و پارچه مبلی که در بازار ایران و عراق و شامات و آسیای میانه و آفریقا وجود دارد، از صنعت نساجی و لباس ترکیه گرفته است. ما باید تدبیر بکنیم و جایگاه صحیح خودمان را تعریف بکنیم و چون ذخایر لازم را داریم می‌توانیم قاعده بازی را تعیین کنیم. نقش ما استراتژیک و محوری می‌تواند باشد، چون پایداری تأمین نفت و گاز ما بیشتر است. ما مقام اول دنیا از نظر حجم ذخایر نفت و گاز هستیم و می‌توانیم قاعده بازی را طراحی بکنیم. الان در دنیا پول اضافی هست و این پول را اگر بخواهند در سوئیس نگهداری کنند، باید پول بدهند تا آنها این پول را



می کردند، فرض کنید ۳۰ یا ۴۰ نفر دکترای حقوق که یکی از آنها آقا دکتر سنگاری بود. ما الان راجع به حقوق بین الملل ضعت داریم، حقوقدان های جوانی که داریم در عمق قوانین بین المللی نرفته اند، در حالی که قوانین بین المللی بسیار بسیار حائز اهمیت است. ضعف دانشی داریم. کاملاً درست است قراردادهایی که قبل از انقلاب بود، مستحکم بود. قراردادهای بعد از انقلاب باعث شد که یک پرده ای به اسم وزارت نفت و مردم به وجود بیاید که تیم حقوقی کارشناسی دانشگاه ها و دفاتر حقوقی و مراکز تحقیقاتی ما دسترسی به قراردادها اصلاً نداشتند که بتوانند اظهار نظر بکنند. می شود قراردادها را بهتر کرد به شرط اینکه مشارکت و شفافیت وجود داشته باشد و از ظرفیت ها علمی و صاحب نظران به درستی استفاده شود.

○ بخش بزرگی از مباحثی که فرمودید ایرادات ساختاری است که بر اقتصاد کشور ما وارد است. ما کشوری با اقتصاد رانتیتر نفتی هستیم که همه بخش های ما اعم از صنعت، کشاورزی و خدمات همه به نوعی به نفت وابسته هستند و این تصور که ما بتوانیم در کوتاه مدت نفت را کنار بگذاریم تا اقتصادمان را جراحی بکنیم و یک اصلاحات گسترده ای را بخواهیم اجرا بکنیم عملاً قابل تحقق نیست. بحث کاهش قیمت نفت موضوع جدیدی نیست و ما پس از سال ۷۶ کاهش قیمت نفت به پایین تر از ۱۰ دلار را هم تجربه کردیم. منتها کشور توانست در آن دوره این بحران اقتصادی را رد بکند. ضمن اینکه شرایط آن دوره هم قابل مقایسه با شرایط کنونی ما نیست. ما در آن دوره در شرایط تحریم قرار نداشتیم و با جهان خارج تعامل داشتیم و می توانستیم از اعتبارات خارجی یا بانک جهانی استفاده کنیم یا برای حداقل فروش نفت و آوردن پولش دچار مشکل نبودیم. شرایط موجود اقتصادی کشور یک شرایط بحرانی است. ما اگر نتوانیم وضعیت صادرات نفتی مان را سروسامان بدهیم، بحران اقتصادی که در کشور وجود دارد، می تواند حتی به فروپاشی اقتصادی منجر شود. در بخش فروش نفت، ما بخش عمده ای از مشتریان خودمان را از دست داده ایم. یعنی همین الان اگر تحریم ها لغو بشود ما

و اعلام بشود؛ نکته دوم این است که در واقع این قوانین به ویژه قانون سال ۵۳ مقرر می کنند که قراردادهای نفتی که صنعت نفت باید ملی بشود و از این به بعد قراردادها پیشرفته تر می شوند و به صورت خدماتی در می آید؛ اما ما بعد از انقلاب این دو نکته را زیر سوال بردیم. اول اینکه قوانین شفافیتی راجع به هدیه دادن رایگان نفت داریم، در سال های ۶۱، ۶۲، ۶۳ و ۶۴ که در خصوص اهدای رایگان نفت به دولت سوریه بود و البته جای خوشحالی داشت که حداقل دولت به صورت شفاف اعلام می کرد ما این مقدار نفت را به صورت رایگان به سوریه می بخشیم که در قوانین قبل از انقلاب این را نداشتیم، ممکن است به لحاظ سیاسی قابل توجیه باشد اما از لحاظ قانونی یک نوع عقب گرد بود. در سال ۱۳۶۶ که قانون نفت تصویب شد، اینجا دیگر مقرر شد که قراردادهای نفتی را خود وزارت نفت بر اساس آئین نامه و بخشنامه های خودش تصمیم بگیرد. دیگر بعد از آن قراردادهای نفتی شفاف سازی نشد و حتی در دانشکده های حقوق هم تدریس نمی شد کسی اصلاً قرارداد نفتی را نمی دید. این اواخر می گفتند همه چیز سری است به ویژه در زمان تحریم این به اوج خود خودش رسید که منجر به فسادهای بسیار کلان شد.

به عنوان نکته آخر ما بلاخره برای اینکه وضعیت اقتصاد را در کوتاه مدت مقداری سامان بدهیم، نیاز داریم که به هر حال بخشی از این نفت خام را بفروشیم. فرمایش حضرت تعالی کاملاً درست است زیرساخت ها را رونق بدهیم اما به هر حال زمان می برد ولی در این مدت نیاز به فروش نفت داریم. در این راستا، نسبت به میادین مشترک گاز و نفت و همچنین نسبت به فروش نفت خام در کوتاه مدت الگوی قراردادی حضرت تعالی که نسبت به گذشته پیشرفته تر باشد و در عین حال بتواند شرکت های چند ملیتی را جذب بکند بالاخره چه قراردادهایی است؟

● **مهندس ابراهیمی اصل:** قبل از انقلاب قوانین الگوبرداری از الگوهای قراردادهای بین المللی با دسترسی گسترده می شد و افراد قدری در تهیه اینها نقش داشتند و من نمی خواهم از افراد خاصی اسم ببرم ولی مثلاً بعضی از اساتیدی که در قسمت حقوقی شرکت نفت کار

شاید نتوانیم ۲۰ یا ۳۰ درصد مشتریانی که قبل از تحریم‌ها به آنها نفت می‌فروختیم را دوباره جذب کنیم. در واقع بسیاری از مشتریان ایران با قراردادهای بلندمدتی که با عربستان و دیگر کشورهای نفتی برای خرید نفت بسته‌اند، حداقل تا دو سه سال آینده نمی‌توانند خریدار نفت ایران شوند و چشم‌انداز روشنی وجود ندارد مگر اینکه با یک تخفیف‌های قابل توجهی بخواهیم نفت‌مان را عرضه بکنیم که با این قیمت پایین نفت، عملاً امکان‌پذیر نیست. ما نباید مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد را نادیده بگیریم. ضمن اینکه ما یک کشور ایده‌آلی برای جذب سرمایه خارجی نیستیم. موانع عدیده‌ای در سراز سرمایه‌گذار خارجی به لحاظ اقتصادی و حقوقی وجود دارد. در هر صورت ما برای خروج از این وضعیت لزوماً باید انعطاف‌هایی را داشته باشیم که بتوانیم از این وضعیت خارج شویم. نکته‌ای که به عنوان پرسش مطرح می‌کنم این است که بحث اتحادیه کشورهای صادرکننده گاز چقدر جدی است و چنین ساختاری تا چه میزان می‌تواند در بازار انرژی دنیا نقش تأثیرگذاری داشته باشد؟

● **مهندس ابراهیمی اصل:** این اتحادیه چندان در بازار گاز دنیا تأثیرگذار نیست در واقع این خود ما هستیم که به دنبال ایجاد یک ساختار برای گاز هستیم که در آن نقش محوری داشته باشیم و به لحاظ سیاسی هم یک استراتژی برای خروج از انزواست. در بحث گاز و خط لوله صلح، ما مدت مدیدی است لوله را تا نقطه مرزی کشیده‌ایم و می‌خواهیم به پاکستان و هند گاز بدهیم اما به دلیل مخالفت آمریکا با این پروژه هر دو کشور از تقاضای خرید گاز ایران عقب‌نشینی کرده‌اند. حتی ما به هندی‌ها اعلام کرده‌ایم می‌توانیم از لب مرز یک لوله از کف دریا در عمق بیش از ۲۰۰ متر یعنی خارج از محدوده فلات قاره بکشیم و گاز را به آن کشور برسانیم اما با مخالفت آمریکا عملاً چشم‌اندازی برای آن وجود ندارد. یا به عراق لوله کشی کردیم و به ارمنستان هم گاز دادیم، ما از ترکمنستان گاز می‌خریم و بعد به ترکیه می‌فروشیم. در واقع سوآپ می‌کنیم از ترکمنستان گران می‌خریم و به ترکیه می‌فروشیم چرا که می‌خواهیم از انزوا خارج شویم.

ما یکسری فعالیت‌ها را در بحث نفت باید انجام دهیم اینکه می‌گویید در کوتاه مدت ما باید بفروشیم همین الان نزدیک ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه به هند و چین می‌فروشیم که به جای پول به ما اجناس به در نخور می‌دهند. به نظر من در کوتاه‌مدت ما نباید به آنها نفت بفروشیم. کشورهای دیگری هم هستند که حاضرند از ما نفت بخرند چرا که پالایشگاه‌هایشان را براساس فرمولاسیون نفت ما درست کرده‌اند به عنوان مثال آفریقای جنوبی ۱۵۰ هزار بشکه در روز نفتش براساس خوراک نفت ما طراحی شده است. آنها برای رفع مشکل نفت چند کشور را می‌گیرند، مخلوط می‌کنند و به کیفیت نفت ایران نزدیکش می‌کنند. یا خود ما پالایشگاه ستاره خلیج فارس را داریم که ۳۶۰ هزار بشکه در روز کاندنست استفاده و میعانات گازی استفاده می‌کند. دو سال از برنامه عقب است ولی تا سال دیگر فاز اولش در مدار قرار می‌گیرد. دو سال دیگر کل آن قابل بهره‌داری می‌شود که آنجا ۳۶۰ هزار بشکه بنزین یورو ۴ و یورو ۵ تولید می‌شود که نه تنها نیاز داخلی را کلاً برطرف می‌کنیم صادرات هم می‌توانیم داشته باشیم. ۶ تا پالایشگاه ۶۰ هزار بشکه‌ای هم دارد در سیراف ساخته می‌شود که آن هم دو سال بعد از افتتاح می‌شود. بنابراین ما می‌توانیم ظرف چهار سال فرآورده صادر بکنیم.

برای خروج از رکود اقتصادی ما نیاز داریم ۷۰ میلیارد دلار پول با منشاء خارجی وارد اقتصاد کنیم. آمریکا این را می‌داند و به شدت با آن مقابله می‌کند که پول با منشاء خارجی وارد نشود. برجام اگر اجرایی شود از پول‌هایی که خارج از کشور داریم ۴۰ میلیارد دلار آن متعلق به بانک مرکزی است که ذخایر ارزی است که در دولت قبل پیش‌خور شده و نمی‌شود دوباره آن را فروخت. دولت فقط ۶ و نیم میلیارد دلار خارج از کشور پول دارد و در مقابل چندین برابر آن را به سازمان‌های داخل کشور بدهکار است. لذا این ۶ و نیم میلیارد دلار هم نمی‌تواند رکود و تورم را حل بکند و ما روزهای سختی را در مقابل خودمان داریم و باید کمربندها را محکم ببندیم.